

# مردم

## ارگان مرکزی حزب توده ایران

کنفرانس جهانی احزاب کارگری و کمونیستی  
با پیروزی بزرگ امر وحدت عمل جنبش انقلابی  
جهان خاتمه یافت. ما این حادثه بزرگ تاریخی  
را بهمه زحمتکشان جهان شادباش میگوئیم!

### سخنرانی رفیق رضا رادمنش

رئیس هیئت نمایندگی حزب توده ایران در  
کنفرانس جهانی احزاب کمونیستی و کارگری

یک گام بزرگ تاریخی  
در راه همپیوستگی جنبش کارگری  
و کمونیستی جهان

سند اصلی کنفرانس بین المللی احزاب کمونیستی و کارگری تحت عنوان «وظایف مبارزه علیه امپریالیزم در مرحله کنونی و وحدت عمل احزاب کمونیستی و کارگری و همه نیروهای ضد امپریالیستی» و اعلامیه تحت عنوان «استقلال، آزادی، صلح به ویت نام» همچنین خطابه صلح و سندی مربوط به برگزاری صدمین سال تولد لنین بزرگ یعنی اسنادی که با همکاری و همفکری نمایندگان احزاب کمونیستی و کارگری با رعایت کامل موازین دمکراتیک و کارجمعی آماده گردیده است مورد تأیید کامل حزب ماست.

در جلسه حاضر همه ما سخنرانی رئیس هیئت نمایندگی حزب کمونیست اتحاد شوروی رفیق لئونید ایلیچ برژنف را شنیدیم که محتوی تحلیل همه جانبه و عمیق و کاملاً صحیحی از وضع کنونی بین المللی و جنبش جهانی کمونیستی و جهانی است، و تحسین روشن و کنکرتی را از احکام اساسی اسناد تدارک شده بدست میدهد.

طرح سند اصلی کنفرانس احزاب کمونیستی و کارگری پاسخ دهنده خواستههای عمده جنبش ما در شرایط کنونی مبارزه علیه امپریالیزم و ارتجاع، در راه صلح، استقلال، دمکراسی، ترقی و سوسیالیزم است.

با تصویب سند مزبور که دارای قدرت بسیجنده و متحد کننده عظیمی است جنبش کمونیستی و کارگری به مرحله جدیدی از مبارزه خود وارد میگردد.

در سند اساسی کنفرانس احزاب کمونیستی و کارگری مبارزه ضد امپریالیستی بعنوان مسئله مرکزی عنوان شده است. این آن محوری است که بر گرد آن میتوان وحدت عمل سیستم جهانی سوسیالیزم، طبقه کارگر جهانی و جنبش رهایی بخش ملی اجزاء عمده پروسه انقلابی جهانی را تأمین نمود.

به درستی در سند گفته شده است که: دنباله در صفحه ۴

هیئت نمایندگی حزب ما صمیمانه ترین درود های خود را به همه هیئت های نمایندگی احزاب برادر، شرکت کنندگان این فوروم بین المللی که مقام و منزلت خاصی در تاریخ جنبش کمونیستی و کارگری داراست تقدیم میدارد.

بدون اجازه نخواهم بنام هیئت نمایندگی حزب توده ایران از پذیرائی گرم و برادرانه ای که از طرف حزب کمونیست اتحاد شوروی نسبت به ما مبتول گردیده است، صمیمانه تشکر کنم و مراتب سپاسگزاری هیئت نمایندگی حزب توده ایران را در مورد فراهم بودن همه گونه وسایل کار تقدیم دارم.

تشکیل کنفرانس بین المللی احزاب کمونیستی و کارگری، گام بسیار مهم در راه تأمین وحدت و همبستگی صفوف جنبش کمونیستی و کارگری و کامیابی مهمی در این راه بشمار میرود. حزب ما پیوسته و مصراً هوادار تشکیل آن بوده است و در این راه بنوبه خود از هیچ کوششی فروگذار نکرده است.

بدون تردید تاریخ توفیق جلسه حاضر را بمثابة یک موفقیت برجسته طبقه کارگر جهانی و تمام نیروهای انقلابی و مترقی ثبت خواهد نمود.

نگرانی محافل امپریالیستی و ارتجاعی درباره تشکیل این جلسه خود بهترین گواه ضرورت تشکیل آن و نشانه موفقیتی است که نصیب جنبش کمونیستی و کارگری گردیده است. وحدت جنبش کمونیستی و کارگری حلقه عمده پیروزی علیه امپریالیزم و ارتجاع در دوران ما، دوران گذار از سرمایه داری به سوسیالیزم است.

بنابر این هیچ مانع و رادعی نباید بتواند احياء و استحکام وحدت و همبستگی احزاب کمونیستی و کارگری را به تأخیر اندازد. این وظیفه ایست که تاریخ در برابر کمونیست های همه جهان نهاده است، باید به آن جامعه عمل پوشاند و در راه انجام آن از هیچ کوششی فروگذار ننمود.

جلسه از جهت اسلوب عمل و اهمیت اسناد مصوبه خود جای ویژه ای در تاریخ جنبش کمونیستی جهانی خواهد داشت.

سند اساسی یک پلاتفرم مشروح و علمی و حرفه نیرومندی برای همه رزمندگان برضد امپریالیسم و بتخاطر صلح، دموکراسی و سوسیالیسم است چنانکه گفتیم حزب ما نیز در تدارک این سند شرکت مجدانه داشت و به نوبه خود نکاتی برای دقیق تر کردن طرح های نخستین پیشنهاد کرد که همگی در جلسات تدارکی مورد قبول قرار گرفت. هیئت نمایندگی حزب ما بریاست دبیر اول حزب رفیق رادمنش ضمن سخنرانی خود در کنفرانس پشتیبانی کامل خود را از این سند معتبر جنبش و دیگر اسناد تدارک شده ابراز داشت. اکثریت قریب بنام هیئت نمایندگی حاضر در جلسه متن کامل سند اصلی را مورد تأیید و پشتیبانی بی قید و شرط قرار دادند. هیئت های نمایندگی استرالیا، ایتالیا، سانمارینو و رونیون موافقت کامل خود را با آن بخش سند که در آن برنامه مبارزه علیه امپریالیسم بیان میشود ابراز داشتند و نماینده حزب کمونیست دمینیکن سند اساسی را مورد پشتیبانی قرار نداد.

علاوه بر سند، اصلی شرکت کنندگان جلسه مسئله برگزاری جشن صدمین سالگرد میلاد لنین پیشوای زحمتکشان جهان را مورد بررسی قرار دادند و با شور و هیجان تمام خطابه مربوط به «صدمین سالگرد میلاد ولادیمیر ایلیچ لنین» را تصویب کردند. کنفرانس اسناد معتبر دیگری تحت عنوان «استقلال و آزادی و صلح به ویتنام» و «بیانیه در دفاع از صلح» را نیز تصویب کرد، و برای پشتیبانی از مبارزه خلقهای عرب علیه تجاوز اسرائیل و در دفاع از قریبا- نیان رژیمهای ضد دموکراتیک برخی از

دنباله در صفحه ۸

چنانکه میدانیم از ۵ تا ۱۷ ژوئن ۱۹۶۹ در شهر مسکو کنفرانس بین المللی حزب برادر تشکیل بود. شرکت کنندگان این جلسه آنرا بعنوان «حادثه ای بزرگ در راه بسط پیکار علیه امپریالیسم و نیل به وحدت عمل ضد امپریالیستی و وسیعترین قشر های مردم جهان و مرحله مهم در راه تحکیم هم پیوستگی جنبش کمونیستی بر بنیاد مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتاری» ارزیابی کردند.

در کنفرانس رؤسای هیئت های نمایندگی سخنرانیهای مشروح و جالبی کرده اند، که در مجموع خود انعکاس علمی و واقعی وضع کنونی جهان است. در میان سخنرانیها، بویژه سخنرانی رفیق برژنف، دبیر اول حزب کمونیست اتحاد شوروی از طرف هیئت نمایندگی این حزب، توجه نه تنها شرکت کنندگان کنفرانس، بلکه افکار عمومی جهان را بخود جلب کرد. لحن استوار و خونسرد و عمق قضاوت های این سخنرانی مورد ستایش همگانی قرار گرفت.

کنفرانس سند اساسی خود را تحت عنوان «وظایف نبرد علیه امپریالیسم در مرحله کنونی و وحدت عمل احزاب کارگری و کمونیستی و همه نیروهای ضد امپریالیستی» روز ۱۷ ژوئن تصویب کرد. در تدارک این سند همه احزاب برادر حاضر در جلسه و از آنجمله حزب توده ایران شرکت مجدانه داشته اند. سند ثمره بحث های طولانی و دقیقی است که در دوران تدارکی کنفرانس بین المللی در محیط کار جمعی، دموکراسی، تبادل نظر آزادانه بر پایه تساوی کامل حقوق انجام گرفته است. همه شرکت کنندگان جلسه وجود چنین محیط اصولی و دموکراتیک را هم در مورد جلسات تدارکی و هم در مورد کنفرانس اصلی، ضمن سخنرانیهای خود تأیید کردند. بجزأت میتوان گفت که این

## سازش با کنسرسیون و دروغ به مردم

## دست امپریالیسم در آستین رژیم ایران

سرانجام مذاکرات بین شرکت ملی نفت ایران و کنسرسیون بین المللی نفت، که در اسفند ماه گذشته برای افزایش در آمد نفت ایران از راه افزایش تولید نفت آغاز شده بود، در اواخر اردیبهشت ماه پایان یافت. در همان حال که روزنامه های دولتی طبق معمول نغمه ناهنجار خود را در باره «پیروزی شاهنشاه» دوباره سردادند اعلامیه رسمی چند سطرگی فقط حاکی از این بود که بین شرکت ملی نفت و کنسرسیون «در محیطی با تفاهم متقابل و حسن همکاری... توافق حاصل گردید». ضمناً اطلاعات نوشت که «شرکت ملی نفت و کنسرسیون هر دو از افشاء فرمول توافق شده خود داری کردند.»

## حفظ سریت برای پوشاندن سازش

سریتی که از طرف رژیم و حامیان امپریالیست آن در مسئله نفت رعایت میشود، مطلب تازه ای نیست. دلیل آنهم ساده است. سازشی که انجام میگردد، در برابر ادعائی که میشود، موجب آبرو ریزی است، افشاء کننده ماهیت ضد ملی رژیم و ماهیت غارت گرانه شرکت های نفتی امپریالیستی است. ولی خود همین حفظ سریت برای مردم نشانه سازشها از یکطرف و بی پایه بودن ادعاها از طرف دیگر است. چون رژیمی که سازش را «پیروزی» قلمداد میکند، اگر واقعاً موفقیتی بدست آورده بود، گوش مردم را از سر و صدا در این باره کر میکرد.

با اینهمه از گوشه و کنار و از لابلای مطالب روزنامه ها میتوان کم و بیش تصویری در باره سازش جدید بدست آورد. روزنامه کیهان مینویسد: «در زمینه افزایش تولید گفته میشود که کنسرسیون در سال جاری بمیزان ۱۰ درصد تولید نفت خام حوزه قرار داد را افزایش خواهد داد. از سوی دیگر با بالا بردن میزان استخراج و صدور نفت خام سبک درآمد ایران را از این ناحیه تا حدود ۱۲ درصد بالا خواهد برد. نکته دیگر مسئله پرداخت مساعده با بهره کم به ایران است که از طرف کنسرسیون پرداخت خواهد شد.» روزنامه اطلاعات از قول رادبو لندن مینویسد: «چنین بنظر میآید که کنسرسیون خود را در افزایش تولید به میزان ۱۶٪ که یکی از نکات مذاکرات ایران بود متعهد نساخته باشد.» روزنامه اطلاعات از قول روزنامه تایمز مینویسد: «مسئولان امور نفت در لندن از اینکه شرکتهای نفتی توانسته اند نواحی استخراج مورد امتیاز خود را حفظ نمایند آسوده خاطر شدند.»

و چرا آسوده خاطر نشوند؟ شاه هنگامیکه مشغول بلوف زدن بود گفت که «شاید استخراج و تولید نفتی ما از یک رشد سالانه ۹ درصد برخوردار باشد.» و اطلاعات در باره وعده های گذشته کنسرسیون نوشت: «با آنکه کنسرسیون وعده داد میزان استخراج را طبق نظر ایران بالا ببرد در پایان کار معلوم شد که نتوانسته است بطور دقیق وعده

خود را جامه تحقق ببوشد.» یعنی درست در همان هنگامیکه دستگامیکه دستگامیکه تبلیغاتی رژیم در باره «پیروزی شاهنشاه در نفت» جنجال میکردند و در باره افزایش ۱۶-۱۸ درصد تولید نفت در سال داد سخن میدادند، کنسرسیون فقط تا همان اندازه که لازم میدیده تولید نفت را افزایش میداده است. سازش جدید هم درست منطبق با خواست و پیشنهاد کنسرسیون انجام گرفته، یعنی افزایش همراه با یک قرضه برای پر کردن کمبود درآمد ایران - که معلوم نیست شرایط آن چیست. بسختی دیگر این بار ایران مجبور شده است بار سنگین یک قرضه جدید امپریالیستی را هم بهوش بکشد و از این راه هم سود جدیدی به کنسرسیون برساند. کنسرسیون با دستی درآمد ناچیزی به ایران میدهد تا آنرا همراه با سود جدیدی از دست دیگر دریافت کند. برای آسودگی خاطر دلیلی از این بهتر میشود؟

## تشدید وابستگی و تشدید غارت

سخن فقط بر سر این نیست که افزایش درآمد نفت مطابق میل و طبق سیاست کنسرسیون انجام گرفته و میگردد. مطلب به این هم خاتمه نمی یابد که سازش جدید قرضه امپریالیستی جدیدی را به ایران تحویل کرده است. مهمتر از همه اینست که افزایش درآمد، حتی بدون قرضه هم تشدید غارت و تشدید وابستگی ایران را در بر دارد. چون کنسرسیون اگر با یک دست پولی به ایران بدهد با دست دیگر همان پول را با مقداری اضافه بدست میآورد. اطلاعات در تأیید این واقعیت (و بزعم خود برای اثبات اینکه کنسرسیون میتواند و باید احتیاجات ایران را تأمین کند) اعترافات جالبی کرده است که عیناً نقل میکنیم. اطلاعات مینویسد: «باید... در طول برنامه چهارم جمعاً ۵۹۳۸ میلیون دلار از کنسرسیون ارز بدست آوریم و باز ارز خود را به کشور های غرب بفرستیم و با آن ماشین آلات و لوازم صنعتی و مواد اولیه و مواد واسطه و بالاخره مواد مصرفی ضروری خریداری کنیم.

به این ترتیب هم رشد اقتصادی خود را عملی کنیم و هم به بالا بردن حجم صادرات کشور های غرب کمک نمائیم. در این گفته هیچ مبالغه ای وجود ندارد زیرا تجارت ما با بلوک شرق بر اثر مبادله کالا به کالا است و آنچه از طریق ارز نفت و ارز صادرات بدست میآوریم در دور بعد مجدداً بمصرف خرید کالا از کشورهای غرب میرسد. این کشورها عمدتاً همانها هستند که در کنسرسیون سهام دار هستند. وارد این بحث نمیشویم که اصولاً نحوه فروش و صدور نفت و خرید کالای ساخته شده و از آنجمله محصولات مختلف پتروشیمی که از نفت بدست میآید جنبه استعماری دارد و در حالیکه قیمت نفت در تنزل است و با لاف اقل ثابت است قیمت محصولات

روز ۲۴ اردیبهشت سال جاری دولت ایران قطع روابط اقتصادی و بازرگانی خود را با جمهوری دموکراتیک آلمان اعلام کرد. در توضیح علت این تصمیم به «عربزه» ای استاد شده فدرا سیون اطفاهای بازرگانی ایران از طرف باصطلاح «قاطبه بازرگانان کشور» برای شاه فرستاده و در آن تقاضا کرده بود نسبت به قطع این روابط اقدام شود، زیرا بدعوی کارگردانان این فدراسیون و رئیس آن محمد خسرو شاهی، گویا وزیر خارجه جمهوری دموکراتیک آلمان در مورد قرار داد سال ۱۳۱۶ ایران و عراق «اظهارات غیر اصولی» کرده است. شاه هم ظاهراً فقط بخاطر تسکین احساسات جریحه دار شده «قاطبه بازرگانان» فوراً باستقبال «عربزه» میرود.

بطوریکه میدانیم دولت ایران به پیروی از سیاست امپریالیستی واشنگتن و بن از شناسائی جمهوری دموکراتیک آلمان تحاشی ورزیده و تنها از چند سال پیش با بنظر به شرکت معاملات خارجی و برخی از بازرگانان ایران امکان محدودی داده است تا با جمهوری دموکراتیک آلمان به معاملات تجارنی بپردازند. با اقدام اخیر دولت

باین روابط اقتصادی محدود نیز پایان داده میشود. ولی آیا علت قطع این روابط همانست که در اظهارات مقامات ایران جلوه داده شده است؟ البته انگیزه بازرگانان وابسته ای چون آقای محمد خسرو شاهی که با شرکتهای انحصاری آلمان غربی معاملات وسیع دارد و از اینراه هر سال سودهای کلان میرسد کاملاً روشن است. ولی زمامداران ایران چرا باین اقدام ناخبردانه دست زده اند؟ اینجاست که رژیم کمونی بار دیگر چهره واقعی و سرشت عمیقاً ضد ملی خود را آشکار میسازد. برای هر مبتدی در امور سیاسی روشن است که دولت ایران تنها بر پایه «اظهارات» وزیر امور خارجه جمهوری دموکراتیک آلمان روابط بازرگانی خود را با آن جمهوری قطع نکرده است و شاه هم بخاطر «تسکین احساسات قاطبه بازرگانان» باستقبال عربزه کذائی نرفته است. این یک بهانه ناشیانه است که نمیتواند انگیزه واقعی زمامداران ایران را از نظر مردم ما و محافل اجتماعی جهان پوشیده نگاهدارد.

اقدام دولت ایران از مجموعه سیاست خارجی ضد ملی رژیم که روز بروز ماهیت خود را آشکارتر میسازد یعنی از سمت گیری یکجانبه بسود سیاست تجاوزکارانه امپریالیستی، تیره ساختن یش از پیش مناسبات ایران با اکثریت کشورهای عربی، اتخاذ روش خصمانه شدید در قبال دولت عراق و بند و بست محرمانه بامتجوازان صهیونیست اسرائیلی برای تشدید وحامت اوضاع در خاور نزدیک و میانه، ریشه میگردد.

رژیم کمونی ایران بعلت خصلت ضد ملی خود بحفظ و تقویت رشته های پیوند خود با امپریالیسم جهانی نیاز حیاتی دارد و باینجهت دست آنها را برای توسعه تسلط بر شئون اقتصادی و سیاسی کشور ما باز میکند. خود شاه در بیان این مطلب صریح و بی پرواست: «هر چقدر ممالک خارجی در کشور ما بیشتر سرمایه گذاری کنند به امنیت و استقلال ما بیشتر علاقمند میشوند.» در باشگاه مطبوعاتی آمریکا از اینهم صریحتر سخن

میکوید: «در مبارزه میان شرق و غرب تصمیم گرفتیم بطور رسمی و آشکار سرنوشت خود را با سرنوشت ملل غربی گره بزنیم و با آنها متحد باشیم. تأکید میکنم که همکاری ما با ملل غربی در آینده هیچوقت بدتر نخواهد شد.»

شاه با تشدید سیاست گیری سیاسی یکجانبه به «قول سر بازی» خود وفادار مانده است. نخست وزیر هویدا در سفر اخیر خود به فرانسه و آلمان غربی برای تحقق بیش از پیش این رهنمود شاه تلاش فراوان بکار برد و در آلمان غربی برای محکم کردن گره سرنوشت رژیم با امپریالیسم آلمان غربی شرایط بسیار مساعدی را برای فعالیت تاراجگرانه سرمایه های انحصاری آلمان غربی در ایران و از جمله در زمینه اکتشاف و بهره برداری از منابع نفتی ایران و سرمایه گذاری در رشته های کلیدی صنایع به کیزینگر و برانت وعده داد. علاوه بر این نخست وزیر هویدا برای افزایش علاقمندی تلافیجویان آلمان غربی ضمن مذاکره در باره وضع خاور نزدیک و میانه متعهد شد که دولت ایران به پیشرفت نقشه های تجاوزکارانه امپریالیسم آلمان غربی در این منطقه بحرانی کمک کند و روش سیاسی خود را در قبال کشور های

ضد امپریالیستی غرب بیش از پیش با مشی سیاسی و استراتژیک امپریالیسم و بویژه امپریالیست های امریکا و آلمان غربی هماهنگ سازد. با بازگشت هویدا اجرای عملی این تعهدات آغاز شد.

بطوریکه میدانیم شناسائی جمهوری دموکراتیک آلمان و برقراری روابط سیاسی کامل با آن اکنون برای دهها کشور بعنوان یک مسئله مهم بین المللی فوریت یافته است. این جمهوری سوسیالیستی که در سال جاری بیستیمین سال حیات خود را برگزار میکند در پرتو کامیابیهای برجسته خود در زمینه های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ثابت کرده است که سوسیالیسم امرحیاتی زحمتکشان آلمان است. کشورهای آسیائی و افریقائی از کامیابیهای جمهوری دموکراتیک آلمان شادند و میکوشند با این کشور صلحدوست و ترقیخواه روابط دوستانه برقرار سازند و از کمک های علمی و فنی و اقتصادی آن برای پیشرفت خود بهره مند گردند. تنها در ماه مه سال جاری کامبوج و عراق و سپس سودان و سوریه جمهوری دموکراتیک آلمان را برسمیت شناختند. این مطلب فدرال را که دعوی «حق انحصار نمایندگی سراسر آلمان» را دارد و بموجب «دکترین هالشتاین» میکوشد کشور های دیگر را از برقراری روابط سیاسی با جمهوری دموکراتیک آلمان منع کند، سخت نگران ساخته است.

همینکه دولت عراق جمهوری دموکراتیک آلمان را برسمیت شناخت تاخت زمامداران ایران برای تأیید مراتب تبعیت خود از امپریالیستهای آلمان غربی به جستجوی بهانه برخاستند و چون سیاست صلحجویانه و ترقیخواهانه این کشور جائی برای بهانه های معقول باقی نمیگذارد بهانه بنی اسرائیلی تراشیدند و به پیروی آشکار از دکترین تجاوزکارانه هالشتاین قطع روابط بازرگانی خود را با آن کشور اعلام کردند.

## دفاع از حقوق کودک

وظیفه همه پدران و مادران، همه سازمانهای مترقی است

زندگی کودکان ایرانی تاریک و اندوهناک است. تند باد مخاطرات از همان نخستین لحظات حیات، هستی و خوشبختی این شکوفه های بی توش و توان را تهدید میکند. هیچ قانونی پاسدار حقوق آنان نیست، و قوانین مدنی و اجتماعی کنونی بر منوالی است که راه بر رشد و تکامل جسمی و فکری کودک بسته است. در کشوری که عدالت اجتماعی نیست، سطح زندگی مردم نازل است، فرهنگ و بهداشت بخصوص در روستاهاش وجود ندارد، ازدواج های نامتناسب بر بنیان قوانین غلط و سنت های نادرست ثبات خانواده را متزلزل ساخته کودکان هیچگونه تأمینی ندارند. رقم مرگ و میر نوزادان در اولین سالهای تولد بعلت فقدان هر گونه حمایت از مادران زحمتکش بی غذایی و سوء تغذیه، عدم دسترسی به پزشکی و دارو دهشت انگیز است. و کودکانی هم که از هفت بند فقر و بیماری تصادفاً جان بدر برند، بی بهره از حلاوت دنیای کودکی بازوان ناتوانشان خیلی زود با زحمت و کار آشنا میشوند:

کودکانیکه همیای پدران و مادران خود در روستاها کار میکنند، کودکانی که از ۵-۶ سالگی سر نوشتشان با دارهای قالی گره میخورد... کودکانی که در کارخانه ها و کارگاهها و دکان به کارهای سخت و سنگین اشتغال دارند. نمونه روشن، زندگی تاریک کودکان را میتوان در اعترافات سران رژیم و نیز نوشته پاره ای از روزنامه های ایران در مورد کودکان قالیباف یافت. مخبر روزنامه آیندگان که از کارگاههای قالی بافی رفسنجان دیدن نموده مینویسد: «... با اطفال ۵-۶ ساله همانند بردگان رفتار میکنند حتی قانون جنگل هم بر آنها حکومت نمیکند... برده فروشی با کریه ترین صورت ممکنه برای استثمار انسانها در کار قالیبافی در سراسر این منطقه رواج دارد» رژیم که در مجامع بین المللی سالوسانه دم از لزوم برابری حقوق انسانها مینزد با بی پروایی بر «سلف خری» انسانها صحنه گذارده است. مخبر روزنامه آیندگان مینویسد: «از هنگامیکه بچه در شکم مادر است، سند «اجیر کردن» او در محاضر و اسناد رسمی با اطلاع و نظیر وزارت کار تنظیم میشود» تصور چنین جنایتی فقط در عقب مانده ترین جوامع بشری ممکن است. حزب ما از آغاز موجودیت، چه از طریق مطبوعات خود و چه از طریق تشکیلات دموکراتیک زنان و جمعیت حمایت از کودک و در سالهای اخیر نیز در رادیوی بیک ایران و ماهنامه مردم گزارا مسئله کار کودکان کمتر از ۱۴ سال و بخصوص استثمار ظالمانه کودکان قالیباف را مورد اعتراض شدید قرار داده است، ولی در همه این سالها رژیم شاه آگاهانه چشم بر این جنایات بست. اکنون نیز که فضیحت دخمه های قالی بافی و استثمار و بردگی کودکان

## نه انقلابیگری نه تسلیم

نتایج زبان بخش چپ روی فقط در این نبوده است که افرادی از انقلابیگری در حرف به موضع ضد انقلابی در عمل در غلطیده اند. افراد دیگری هم هستند که شکست شعارها و روشهای چپ روانه و ماجراجویانه را می بینند و راه تسلیم در پیش میگیرند. و این زبان کمتری نیست، چون بهر ترتیب نیروهائی از صحنه مبارزه خارج میشوند.

منشاء این نوسان از يك قطب به قطب دیگری است؛ خرده بورژوازی و روشنفکران وابسته به آن که در اثر بحرانهای اجتماعی به «هیجان» میآیند، «خشمگین» میشوند و خواهان «انقلاب فوری» میگردند وقتی با مشکلات و بغرنجیهای مبارزه روبرو میشوند و غلبه بر آنها را نیز دشوار و طولانی می یابند و چون مقاومت و صبر و پیگیری لازم را هم ندارند، غالباً دچار نومیدی میگردند، موضع موجود تسلیم میشوند و گاه نیز به ضدانقلاب می پیوندند.

ولی شکل بروز و چگونگی توجیه این تسلیم در جامعه و جنبش ما گوناگون است:

(۱) افرادی پس از آنکه فارغ التحصیل میشوند و به شغل و مقامی میرسند بکلی از یاد میبرند که زمانی چه می گفته اند و چه می کرده اند. گوئی دوره «انقلابی بودن» پایان رسیده و وقت «زندگی» فرا رسیده است. چه زندگی؟ همان زندگی خرده بورژوازی و آماجی که مورد تحقیر آنها و آماج مبارزه آنها بود. اینان فعالیت انقلابی گذشته خود را ناشی از «جوانی» میدانند. گویا وقتی کسی عاقل و مسن شد باید با ظلم و فساد بسازد! درحالیکه اگر کسی در جوانی بفعالیت انقلابی بپردازد اگر دچار انقلابیگری زود گذر نشده باشد قاعدتاً باید همراه بار شد و تکامل جسمی و فکری خود از سطح به عمق برسد و در اندیشه و عمل انقلابی خود مؤمن تر و پایدارتر گردد.

(۲) افرادی در جریان مبارزه با اشکال گوناگون ترور پلیسی روبرو میشوند. از اخراج از کار و محرومیت از تحصیل گرفته تا زندان و شکنجه و مرگ. همچنانکه درجه فشار نسبت به مبارزان یکی نیست میزان مقاومت آنها نیز یکسان نیست و نمیتواند باشد، زیرا روحیه مقاومت بسته به عوامل گوناگونی است. بنابراین سخن بر سر آن نیست که همه باید تا دم مرگ «قهرمانی» کنند. ولی فراوان دیده شده است که بورژوازی که با حرارت درباره «جانبازی» داد سخن میداده اند و دائماً از «آتش و خون» دم میزدند در نخستین برخورد با کوچکترین فشار ضعف نشان داده

موجود و جلوگیری از چند همسری، حمایت از کودک پس از جدائی پدر و مادر بردارد. قبل از هر چیز باید سازمانهای مخصوص حمایت از کودک تشکیل شود و از طریق آنها پدران و مادران برای مبارزه جدی بسیج شوند.

مینو

و تسلیم شده اند. گوئی این ادعا ها فقط برای جلسات سخنرانی بوده است. گوئی بحث در باره ترور پلیسی حاکم در ایران فقط جنبه تبلیغاتی داشته است. در حالیکه انقلابی واقعی بجای حرف و ادعا درباره جانبازی و فداکاری باید در عمل روحیه بیگانه و مقاوم خود را نشان دهد و در جریان مبارزه دشوار و بغرنجی که انقلابیان ایران با آن روبرو هستند دائماً و عمیقاً خود را برای مقابله با ترور پلیسی آماده کند. کسیکه آمادگی خود را برای جنگ پارتیزانی، که خطر دائمی گرسنگی، بیماری و مرگ را در بر دارد - اعلام میکند باید حداقل بتواند که بیکاری و محرومیت از تحصیل را تحمل کند و تهدید و تطمیع سازمان امنیت پای اراده او را است ناسازد، در غیر اینصورت انقلابی نیست انقلابی مآب است.

(۳) افرادی شعار های چپ روانه و ماجراجویانه را با شکست مواجه دیده اند، انواع دیگر مبارزه راهم «بفایده» میدانند. و سرانجام آسمان را چنان تیره و تار میکنند که میگویند «کاری از ما ساخته نیست». و بعد؟ و بعد بدنال «زندگی» میروند. اینان که زمانی نیروی امپریالیسم و رژیم را بهیچ و پوچ میگردفتند بطوریکه «با چند نفر و چند تفنگک» میخواستند «جنگ پارتیزانی» راه بیاندازند، ناگهان امپریالیسم و رژیم را قدر قدرت می یابند و یا فکر میکنند که باید «معجزه ای» برای نجات ایران روی دهد. در حالیکه هر کس کمترین آشنائی با مارکسیسم داشته باشد و تجربه جنبشهای انقلابی را نیز بررسی کند فقط به این نتیجه میرسد که طبقات حاکمه نه «بیر کاغذی» هستند و نه قدر قدرت. آن «معجزه ای» هم که باید رخ دهد فقط مبارزه متحد طبقات زحمتکش و توده های مردم - مبارزه ای دشوار و طولانی و بغرنج، مبارزه ای خونین و پر از محرومیت و فداکاری و قربانی، میتواند انجام دهد.

(۴) و بالاخره افرادی هستند که در اروپا و امریکا «انقلابی» اند ولی وقتی به ایران باز میگردند «دست از پا خطا نمیکنند»! اینها کسانی هستند که اوضاع واقعی ایران را نمیدانند و یا نمیخواستند ببینند، محیط خارج از کشور را محیط داخل کشور یکسان تصور میکردند و بعد وقتی با واقعیت ایران آشنا میشوند، سنگینی بار دشواریها آنها را میترساند و یا نومید میکند. و یا کسانی که انقلابیگری در خارج از کشور را هم یک نوع «لوکس» تلقی میکنند و وقتی بدنال زندگی خود در داخل کشور میروند این «لوکس» برایشان «خطرناک» میشود و دنبال لوکس واقعی تری میروند. ضمناً جالب تر از همه وضع کسانی است که دو دستی به زندگی خرده بورژوازی خود چسبیده اند و تدارک زندگی بورژوازی را می بینند و در نتیجه حاضر نیستند کوچکترین

# سخنرانی رفیق رضا را منسوخ رئیس هیئت نمایندگی حزب توده ایران در کنفرانس جهانی احزاب کمونیستی و کارگری

«جهت تیز استراتژی تهاجمی امپریالیزم مانند سابق و قبل از همه علیه کشور های سوسیالیستی متوجه است. امپریالیزم از مبارزه مسلحانه علیه کشور های سوسیالیستی ابائی ندارد. امپریالیزم دائماً مسابقه تسلیحاتی را تشدید میکند و سعی می نماید بلوک های نظامی را که منظور تهاجم علیه اتحاد شوروی و سایر کشور های سوسیالیستی ایجاد شده است فعالیت سازد. علیه این کشور ها مبارزه ایدئولوژیک را تقویت میکند و سعی دارد رشد و تکامل اقتصادی کشور های سوسیالیستی را ترمز نماید.»

جنگ در ویت نام، محاصره اقتصادی کوبا، توطئه ها و تحریکات بی دری در سرحدات و سواحل کره شمالی، احیاء میلیتاریزم و نئونازیسم در آلمان غربی، عدم شناسایی آلمان دمکراتیک، نخستین کشور کارگری در سرزمین آلمان، ایجاد پایگاههای نظامی دائمی و انعقاد پیمان های نظامی علیه کشور های سوسیالیستی و انواع دیگر تحریکات و تشنات که در این یا آن کشور سوسیالیستی با شکل و انواع مختلف تکرار میگردد شواهد زنده بر صحت این حکم است.

در سند بدرستی گفته شده است که: «امپریالیزم علیه جنبش کارگری از طریق نقض حقوق و آزادیهای دمکراتیک و توسل به زور و اعمال شیوه های خشن پلیسی و فشار مستقیم به زحمکشان و تدوین قوانین ضد کارگری عمل میکند.»

علیه چنین رویه های ضد انسانی است که طبقه کارگر و اقشار دیگر جوامع سرمایه داری که در معرض استثمار بیش از پیش شدیدی قرار میگیرند، پرتوانتر متشکلاتر و پرمحتوی تر میگردد و در بسیاری موارد در سال های اخیر به اعتراضات و اعتصابات سیاسی عمومی تبدیل گشته و رژیم حاکم را در برخی از کشور ها با بحران های اجتماعی بی سابقه ای روبرو کرده است.

در سند به درستی گفته شده است که: «امپریالیزم در مبارزه علیه جنبش رهایی بخش ملی از یک سو از بقایای کولونالیزم دفاع مینماید، از سوی دیگر سعی میکند با شیوه های استثمار نوین از ترقیات اقتصادی و اجتماعی کشور های در حال رشد که به حاکمیت ملی نائل گردیده اند مانع بعمل آرد.»

باین منظور امپریالیزم از محافل ارتجاعی حمایت مینماید، تصفیه ساخت اجتماعی قدیمی را ترمز میکند، مشکلات در راه سوسیالیزم یا در راه رشد غیر سرمایه داری که دورنمای سوسیالیستی را می کشاید فراهم

لیسم بیش از پیش در میان توده های وسیع مردم جهان رسوخ نموده، رفته رفته به شعار عمومی ترقی مبدل میگردد.

رشد و تکامل مناسبات سرمایه داری در کشور ما در شرایط عقب ماندگی اجتماعی و اقتصادی در شرایط وابستگی اقتصادی و سیاسی و نظامی به امپریالیزم، در شرایط وجود یک رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک انجام میگردد.

بدرستی در سند اصلی گفته شده است: «کشور هایی که راه رشد سرمایه داری را میمایند، نتوانستند هیچ یک از مشکلات مهم خود را حل کنند.»

از این راه نه تنها عقب افتادگی دیرینه ایران جبران نمیشود، بلکه تضاد های دردناک دیگر اجتماعی که ناشی از استثمار سرمایه داری و غارتگری امپریالیستی است، با درد های گذشته در آمیخته و سر انجام با توجه باینکه جهان معاصر در سایه انقلاب شگرف علمی و فنی با آهنکی براتب سریعتر از گذشته تحول مییابد، فاصله کشور ما از کشورهای پیشرفته باز هم بیشتر میشود.

چنین دورنمایی نمیتواند مورد قبول هیچ ایرانی میهن پرست و ترقیخواه باشد و محققان راه ترقی و پیشرفت کشور ما از این سو نیست. با توجه به تحولات اوضاع جهان اساساً این نه تنها راه نیست، بلکه گمراهی است.

زمامداران کنونی برای تخفیف شدت بحران کوشیدند تا با کشورهای سوسیالیستی و در درجه اول با همسایه بزرگ دوست و نیرومند ما اتحاد جماهیر شوروی که بیش از دو هزار و پانصد کیلومتر با کشور ما هم سرحد است و پیوسته و با پیگیری از آزادی و استقلال میهن ما مدافعه و پشتیبانی نموده است، مناسبات خود را عادی سازند و بهبودی بخشند و مانند کشورهای دیگر خاور میانه از کمکهای مؤثر و بی شائبه اتحاد جماهیر شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی برخوردار گردند. کمکهای بی شائبه اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی، بویژه تصمیم به ایجاد صنایع سنگین آهن گداز، کارخانه های ابزار سازی و ماشینسازی و تعداد زیاد سیلو که با اعطای اعتبارات طولی مدت با سود کم انجام میگردد، با رضایت و موافقت عمومی در کشور ما استقبال گردید. بخصوص از طرف حزب ما عمل مزبور بمثابة اجرای یکی از نکات اساسی برنامه حزب در جهت تحکیم استقلال سیاسی و کسب استقلال اقتصادی تلقی گردید.

در صورت وجود یک حکومت واقعاً ملی و مستقل، کشور ما میتوانست با تکیه به کمکهای یدریغ اتحاد جماهیر شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی، کمکهائی که فاقد هر گونه شرایط سیاسی با احترام به حاکمیت ملی و رعایت کامل منافع و رشد و تکامل سالم اقتصادی کشور تأمین میگردد گام مهمی در جهت استقلال اقتصادی کشور بر دارد. ولی هیئت حاکمه ایران بمقتضای ماهیت ضد ملی اش شرایط و امکانات وسیع و امتیازات همه جانبه ای را برای سرمایه گذاری های

امپریالیستی در عرصه های مختلف حیات اقتصادی فراهم میکند و با تشویق در آمیختن سرمایه های امپریالیستی با سرمایه های خصوصی داخلی، پروسه تحول کشور را در جهت تشدید وابستگی اقتصادی با امپریالیسم سوق میدهد.

این همان سیاستی است که شاه و هیئت حاکمه آنرا «سیاست مستقل ملی» میخوانند و شاه در ستایش آن داد سخن داده میگوید: «هرچقدر ممالک خارجی در کشور ما بیشتر سرمایه گذاری کنند، با امنیت و استقلال ما بیشتر علاقمند میشوند.» این اظهارات مفهوم تازه ای از مبارزه در راه امنیت و استقلال ملی بدست میدهد. باین معنا که بجای کوتاه ساختن دست امپریالیسم کوشش اساسی دولت معطوف به آن میگردد، که دست این دشمنان واقعی استقلال و امنیت کشور را هرچه بیشتر در کلبه عرصه های حیات اقتصادی و سیاسی کشور باز گذاشته و تحت عنوان «علاقتمند کردن آنها با استقلال و امنیت کشور» بداخله و نفوذ آنان هر چه بیشتر میدان دهد. اگر قرار شود «سیاست مستقل ملی» بآن روش اطلاق گردد که هوادار مداخله هر چه بیشتر بیگانگان امپریالیست در

شئون اقتصادی کشور است، آنگاه باید سیاست استعماری را بمنزله غالبترین سیاست استقلال طلبانه انگاشت و حتی مستعمره بودن را کمال مطلوب استقلال و امنیت کشور شمرد. زیرا در این صورت حد اکثر امکان برای مداخله سرمایه های امپریالیستی فراهم میگردد. ولی تضاد در اینجا است که معلوم نیست که مبارزه در راه «سیاست مستقل ملی» دیگر چه مفهومی خواهد داشت و علیه کدام نیروی استعماری بکار میرود؟!

در تعقیب چنین سیاست باصطلاح «مستقل ملی» است که در دو سال اخیر سرمایه گذاری انحصار های امریکائی در صنایع ایران شش تا هفت برابر سرمایه گذاریهای انحصار های امریکائی در عرض ۱۵ سال پس از جنگ دوم جهانی است، یک سوم کارخانه هائی که در سالهای اخیر با سرمایه های خارجی در ایران تأسیس شده اند متعلق به سرمایه داران امریکائی است. در حال حاضر در حدود ده هزار افسر و درجه دار و کارمند امریکائی در مؤسسات دولتی و خصوصی ایران مشغول کارند.

ایران یکی از بازار های مهم منطقه آلمان غربی نیز هست. آلمان غربی مقام اول را در واردات ایران دارا است. در سال گذشته ایران یک وام چهل میلیون مارکی از آلمان غربی اخذ نمود. علاوه مقامات آلمان غربی با فروش اوراق قرضه دولت ایران ببلغ هشتاد میلیون مارک با بهره هفت و یک چهارم در کشور خود موافقت نمودند. در تعقیب مذاکرات اخیر که بین هیئت اقتصادی اعزامی ایران در آلمان غربی صورت گرفته است، آلمان غربی مصمم است در حدود ۲۰۰ میلیون مارک در زمینه های صنایع شیمیائی و الکتریکی و صنایع دیگر در ایران سرمایه گذاری نماید. مسافرت های اخیر کیزینگر و شترائوس به ایران علاوه

# سخنرانی رفیق رضا را در منش رئیس هیئت نمایندگی حزب توده ایران در کنفرانس جهانی احزاب کمونیستی و کارگری

بر هدفهای سیاسی خود، متوجه فعالیت های جدید اقتصادی آلمان غربی در ایران است. در چارچوب چنین مناسبات اقتصادی و سیاسی ایران با آلمان غربی است که دولت ایران، درست در هنگامیکه کشورهای متمدن غربی مانند عراق، سوئد و سوریه یکی پس از دیگری جمهوری دموکراتیک آلمان، نخستین کشور کارگری در خاک آلمان و در مرکز اروپا را می‌شناسند و با آن گام مهم تاریخی در جهت تحکیم صلح در اروپا و در تغییر تناسب نیروها بنفع اردوگاه سوسیالیسم پرمیدارند، کشور ما نه تنها مثال برجسته آنان را تعقیب نمی‌کند، بعکس مناسبات اقتصادی بسیار محدود خود را نیز با آلمان دموکراتیک قطع مینماید. زمامداران ایران نه تنها مناسبات خود را با کشورهای متمدن غربی، مانند کشور متحده عربی، سوریه و عراق که در صف نخستین مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم در خاور میانه قرار دارند، بسط ندهد بلکه مناسبات خود را با این کشورها به بهانه های گوناگون قطع میکند و روز بروز تیره تر می‌سازد. اتفاقی نیست که حوادث اخیر در شط العرب وقتی انجام میگردد که کشور همسایه ما عراق در دشوارترین وضع علیه صهیونیسم و امپریالیسم در نبرد است. ما در اینجا لازم میدانیم از جانب مردم ایران پشتیبانی کامل و راسخ خود را از مبارزه بحق خلقهای عرب علیه تجاوزکاران اسرائیل، که بخشهایی از خاک کشورهای عربی را با اعمال زور اشغال کرده اند ابراز داریم. ما اطمینان داریم که این خلقها با کمک اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و نیروهای متمدن جهان در نبرد عادلانه خود علیه محافل تجاوزکار صهیونی اسرائیل سر انجام پیروز خواهند شد.

یکی از بزرگترین منابع نفت در خاور میانه و در جهان در کشور ما قرار دارد. درآمد از کنسرسیون بین المللی نفت، که بدست بزرگترین انحصارهای امریکائی، انگلیسی، هلندی و فرانسوی بهره برداری میگردد، در سال جاری به یک میلیارد دلار بالغ میشود. هر گاه درآمد سالانه انحصارهای نفتی را نیز اقلاً بهمین میزان در نظر بگیریم، آنگاه در صورت اجرای قانون ملی شدن نفت که رژیم حاکم آنرا نقض نموده است، درآمد سالانه ایران از نفت به دو میلیارد دلار میرسد که برای کشوری مانند ایران که بیست و شش میلیون جمعیت دارد، در آمد بسیار قابل توجهی است ولی درآمد مزبور از طریق غارت مستقیم بازارهای ایران، از طریق پرداخت اصل و فرع وامهای

قرار داده است. بدیهی است که تشخیص شعار اساسی مبارزه، بهیچ وجه بمعنای انصراف از مبارزه در راه شعارهای دیگر و از جمله بمنزله انصراف از مبارزه برای خروج ایران از پیمان سنتو و لغو قرار داد دو جانبه نظامی با امریکا، الغاء قانون کاپیتولاسیون، اتخاذ سیاست بیطرفانه، اجراء قانون ملی شدن صنایع نفت، الغاء امتیازات نسبت بسرمایه‌های مونیوپولیستی، مبارزه علیه سیاست بازرگانی نابرابر و درهای باز و غیره نیست. ولی تشخیص شعار عمده مستلزم آنست که قسمت اساسی کوشش‌ها و مبارزات سیاسی در جهت آن سیر کند زیرا شعار مزبور آنچنان حلقه مرکزی است که قادر است مبارزه در راه تحقق شعارهای ضد امپریالیستی و ضد استعماری دیگر را تحکیم نماید.

در تمام طول تاریخ جنبش کمونیستی و کارگری، دشمنان طبقه کارگر دائماً وحدت طبقه کارگر را در داخل کشور و در مقیاس بین‌المللی مورد تعرض قرار داده‌اند. طبقات استثمارگر پیوسته کوشیده‌اند از وحدت پرولتاریا جلوگیری کنند و افتراق و انشعاب در آن ایجاد نمایند. شعار «پرولتاریای جهان متحد شوید» از همان آغاز دارای مضمون عمیقی بوده است. شعار مزبور مبین اندیشه وحدت بین‌المللی طبقه کارگر و وثیقه قدرت و شکست ناپذیری آنست.

به برکت چنین رژیم‌هایی است که احزاب و اتحادیه‌ها و مطبوعات متمدن و مخالف رژیم در کشور ما، از هر گونه فعالیت اجتماعی و سیاسی محرومند. اکنون صدها از اعضای حزب ما و از وابستگان به گروههای دیگر ملی و دموکراتیک، در شرایط بسیار دشواری در زندانها بسر می‌برند. از رفقای حزبی ما کسانی هستند که نزدیک بیست سال است که در زندانهای دور دست و بد آب و هوا زندگی مرگباری دارند. رفقای ما مانند پرویز حکمت جو و علی خاوری که چندی پیش با فشار افکار عمومی در خارج و در داخل کشور، از مرگ حتمی نجات یافته‌اند، اکنون یکی در خطر فلج عمومی و دیگری در خطر از دست دادن بینائی زندگی پررنجی در زندان دارند و از هر گونه وسائل معالجه جدی محرومند. نظایر چنین رفقای در زندانهای ایران بسیار و پیوسته بر شماره آنها افزوده میگردد. اینها گوشه‌هایی از زندگی مشقت بار مردم کشور ما است.

با توجه به این قبیل مشکلات برای احزابی نظیر حزب ما است، که در سند اصلی بدرستی تأکید شده است که منافع مبارزه علیه امپریالیسم که سعی دارد آزادی های اساسی انسانی را پایمال نماید دفاع از آزادی کلام، مطبوعات، اجتماعات، نظا هرات و تشکل و حقوق مساوی و عمومی و دمکراتیک نمودن تمام جهات زندگی اجتماعی را ایجاب مینماید.

از این رو و درست از جهت «منافع مبارزه علیه امپریالیسم» است که حزب ما تأمین آزادیهای دمکراتیک و استقرار مجدد اصول دمکراتیک را شعار اساسی مبارزه خود

بکلی از چارچوب مسائل داخلی یک حزب و یک کشور تجاوز کرده است و هیچگونه سلکوت و یا پاسیف بودن را در برابر این پدیده نمیتوان توجیه کرد. بهمین سبب در سند اصلی بدرستی تصریح شده است که: «هر حزب مسئول فعالیت خود و در عین حال در برابر طبقه کارگر جهانی است. مسئولیت ملی و بین المللی احزاب کمونیستی از هم جدا ناپذیر است».

این حکمی است درست. بر اساس چنین حکمی است که ما در باره سیر حوادث اخیر در چین اظهار نظر میکنیم.

حزب ما در موارد عدیده عدم موافقت اصولی خود را با کورس گروه ماوتسه‌دون ابراز داشته است. بویژه با روش گروه مزبور در باره حزب کمونیست اتحاد شوروی و کشور اتحاد شوروی این ستاد نیرومند انقلابی که مورد احترام همه زحمتکشان روی زمین است مخالفیم و بعکس عقیده داریم که در تاریخ هیچ حزبی مانند حزب کمونیست اتحاد شوروی و هیچ دولتی مانند اتحاد جماهیر شوروی چنین نقش عظیم و مترقیانه ای در زندگی بشریت نداشته است. و یکبار دیگر تأکید میکنیم که کمونیسم با مضمون آنتی سوسیالیسم هیچگاه وجود نداشته و نمیتواند داشته باشد.

تعمیلات توسعه طلبانه رهبران کنونی چین که ثمره مستقیم شوینسم عظمت طلبانه آنهاست حد و اندازه ای ندارد. همه ما از ادعای مهمل گروه ماوتسه دون در مورد بیش از یک میلیون و نیم کیلومتر مربع اراضی شوروی که جمهوریهایی مختلف اتحاد شوروی را دربر میگیرد خبر داریم. اشتباه توسعه طلبانه رهبران کنونی چین از اینهم بیشتر است. بهیچ وجه نیست که طی سالهای اخیر ستایش شخصیت چندگیز خان متداول شده و باصطلاح از «مسیون تاریخی» وی برای اتصال شرق و غرب صحبت میشود. ایران از جمله کشورهایائی است که از اینلغز چندگیز زبان وحشتناک دیده و لذا معنای ضد بشری احیاء کیش وی را عمیقاً درک میکند. واقعاً تراژیک است که کسانی که خود را رهبران جنبش کارگری می‌شناسند در نیمه دوم قرن بیستم اقدامات غارتگرانه یک خان قرون وسطائی قرن سیزدهم را تکیه گاه معنوی خویش آنهم علیه کشورهای سوسیالیستی و کشورهای ستمدیده قرار میدهند.

تنها با برخورد اصولی و مشخص بمسائل مورد اختلاف بر پایه مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری میتوان از عواقب شوم سیاستهای انشعابی جلوگیری کرد و یا این عواقب را بحد اقل ممکن تقلیل داد. وصول به هدف عالی تحکیم وحدت در جنبش کمونیستی و کارگری از طریق تماسهای دو جانبه و چند جانبه احزاب برادر و تشکیل جلسات مشاوره منطقه ای و یا جهانی - همان طور که در طرح سند اصلی توصیه شده است - امکان پذیر است.

آزمایش تهیه مقدمات جلسه حاضر صحت این شیوه را در عمل به ثبوت رسانیده است. در آینده نیز باید چنین شیوه اصولی دنباله در صفحه ۷.

## شبه ای در باره «انقلاب اداری»

از جمله «انقلاباتی» که بفرمان آریا- مهر مدتهاست جریان دارد و ماده ۱۲ برنامه «انقلابی» او را تشکیل میدهد انقلاب اداری است! شاه دستور داده در سازمانهای اداری انقلاب کنند و برای بازرسی و اجرای دقیق آن، سازمانی بنام سازمان عالی بازرسی شاهنشاهی بوجود آورده که در سرتاسر کشور از نزدیک طرز اداره و نحوه کار ادارات دولتی را زیر نظر بگیرد و شکایات مردم از این سازمانها رسیدگی کند و داد آنها را بدهد! بدینطریق شاه سنت کهن شاهان هخامنشی را که بیش از دو هزار سال پیشینه دارد زنده میکند و آنها را با مقتضیات امروز که همه جا و همه چیز در پرتو «انقلاب سفید» در حال جنبش و جوش است هماهنگ میسازد! البته افتخار این کار در درجه اول متعلق پسر او رضا شاه است، او هم یک چنین سازمانی بوجود آورد، منتها چون انقلابی نبود، سر و صدای زیادی بنام «انقلاب» براه میانداخت فقط یکبار برای اینکه نتیجه اقدامات خود را در زمینه اصلاح اداری نشان دهد، وقتی شخصاً از اداره کل ژاندارمری بازدید میکرد، خطاب بهمراهان گفت: «جیب های خود را محکم بگیرید زیرا اینجا اداره کل ژاندارمری است!!»

دستگاه اداری ایران از عدهای بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار نفر تشکیل میشود، که چون کوهی بر پشت بوده و مردم کشور سنگینی میکند. این دستگاه که بحق یا کلمه فساد بنام (دستگاه فاسد دولتی) توأم ادا میشود، قاعدتاً باید وسیله و آلت اجرای دستورات رسمی دولتی و قوانینی باشد، که هیئت حاکمه برای حفظ و بکار بردن قهرت خود صادر و وضع میکند. اما علاوه بر این این دستگاه قوانین و مقرراتی دارد که هیچ جابجا نوشته نیست، ولی مانند سنت های کهن مافوق هر قانون و مقرراتی قرار دارد. مثلاً در اداره کل ژاندارمری قانون نا نوشته این است که بستنها را بر حسب اهمیت اجاره بندی کنند و آنها را اجاره بدهند. در ارتش هم سنت اینست که از خیره سرباز گرفته تا معاملات بزرگ خرید اسلحه و مهمات و آنچه مربوط به سر- رشته داریست، مبلغی کم یا زیاد بسود جیب مقامات مربوطه برداشت کنند. در اداره کل مالیات بر درآمد و مالیات بر شرکتهای «خر کریم باید حتماً نعل شود» و غیره و غیره. خصلت دیگر این ادارات پوسیدگی است. زیرا سستی، کندگی، بیجانی و بی-حرکتی سر تا پای این کاخهای پوشالی را چندان فرا گرفته که برای رسیدن مثلاً یک پرونده قضائی به بایگانی را که یعنی از آغاز تا انجام یک عمل قضائی سالها وقت لازمست. اتفاق افتاده که نتیجه قطعی یک پرونده حقوقی به نوبه شاکی پس از دو نسل اعلام شده است یکی از دعاهای خیر ما در باره یکدیگر این است که «خدا سر و کارت را بدستگاه - های دولتی نیندازد!» در یک کلام مجموعه این دستگاهها مانند واگونها های اسبی چهل

سال پیش تهران است که اگر جوانی جلو بازار سوار آن میشد در ایستگاه شهر ری با ریشی سفید و قدی خمیده از آن پیاده می-گردید!

با اینکه دستگاه اداری مقاصد خاص کارگردانان خود را از شاه گرفته تا رؤسای مافوق سرعت انجام میدهد، حتی آنها هم گاه آنگاه که فغان مردم بلند میشود و زمانیکه تظاهر باصلاح طلبی ضرورت پیدا میکند، و یا تا حد معینی اوضاع عمومی کشور اجاری را بهیئت حا که تحمل میکند، با مردم همصدا میشوند و از فساد و تباهی آن دم میزنند و هر چند یکبار بنام « مبارزه با فساد » و یا اخیراً بنام « انقلاب اداری » جار و جنجالی راه میاندازند. شاه که خود سر دسته این جنجالچیان است در باره « انقلاب اداری » چنین میگوید: (همه افرادی که در سازمانهای اداری و دولتی مملکت وظیفه ای اعم از بزرگ یا کوچک بر عهده دارند باید با کمال صداقت و وظیفه شناسی و یا با قبول مسئولیت در انجام وظیفه خود بکوشند و روح اتلاف وقت و قیاس بازی و بوروکراسی در ادارات از میان برود. « روزنامه » ندای ایران نوین « ارگان حزب باصلاح اکثریت چنین میشود: « در سازمانهای اداری مملکت هیچگونه معیار و ملاک درست و منطقی... وجود نداشت و هنوز هم ندارد، راست است که مدارک تحصیلی... ظاهراً یک معیار و مقیاسی بدست میدهد ولی همین معیار و ملاک ظاهراً قانونی بمقدار زیادی در اصل از روی عوامفریبی و ریاکاری تدوین گردیده و ثانیاً که دردناکتر است همان معیار و مقیاسها... دستخوش همان قوم خویش و رفیق بازی و خلاصه «لوطی بازی» زمان گذشته است و تبعیض باشد صورت و سخت ترین وجوه حکمفرما بوده... این تبعیض و حق کشی و بیعدالتی را کارمندان می بینند و حس میکنند... واکنش آن نه اعتصاب است نه عصیان، بلکه موش کشی توی کار - های مملکت، توی کارهای مردم، دزدیدن از ساعات کار، تجاوز بحق دولت و هم بحق مردم است. کار مردم را از امروز بگردا افکنند و تعدی بحق مردم است. « بعقیده این روز نامه مردم هم در قبال این وضع «توصیه میآورند، اعمال نفوذ میکنند، رشوه میدهند، سور و میهمانی میدهند و از اینجور کارها که در جمع خود مفاسد اداری گفته میشود، میکنند. روح وظیفه شناسی و وجدان کار... در نهادشان مورد ریشخند قرار گرفته، زیرا میبینند آنها که بالا سرشان قرار دارند همه اصول را بریشخند گرفته اند...» اینها مندرجات روز نامه رسمی وابسته بدولت است. در باره کیفیت اجرای « انقلاب اداری » در روزنامه دیلمت چنین میخوانیم:

« آنچه که مورد علاقه رهبر و پرچمدار انقلاب است بخوبی روشن و آشکار میباشد و هرگز نظر این نبوده که وزراء و رؤسای سازمانهای مملکتی جمعی از کارکنان یا

رؤسا و مدیران کل را کنار بگذارند، و بجای آنها چند نفر از افراد نزدیک مشمول محبت خود را بگمارند و رفیق بازی بیشتری اعمال نمایند. « اتفاقاً هدف « پرچمدار انقلاب » درست همانی است که اجرا شده یعنی آوردن رؤسا و مدیر کلانی که « مشمول محبت » باشند و ملاک « محبت » هم « خصلت های سیاسی و سرسپردگی » است، نه صداقت و کفایت و درستکاری. طرز اجرای « انقلاب اداری » بهترین معرف جنبه تبلیغی و عوام-فریبانه آنست. روزنامه « مرد مبارز » در این باره مینویسد: « کمیسیونهای مأمور اجرای انقلاب اداری در سازمانهای دولتی هر یک جدا گانه گزارش کار خود را تسلیم نخست وزیر نموده اند و این گزارشات بطریق خاص در معرض قضاوت افکار عمومی قرار داده میشود، تا نسبت با اجرای آن تصمیم اتخاذ گردد. بر اساس چنین رویه ایست که « سازمان اوقاف » ابتکار طرح اجرای « انقلاب » را بعهده گرفته و پیشنهاد کرده است که « در قانون استخدام کشوری تجدید نظر شود » بقول رحمت الله بهزاد در (خواندنها) « اولین فساد سازمانهای اداری اینست که کمتر کسی در کار خود تخصص دارد و معیار انتصابات کاردانی و لیاقت و سابقه نیست بلکه اعمال نظرهای خصوصی است و بهمین جهت است که افراد آشنا به وقفنامه ها و ندورات باسانی میتوانند از طرح استخدام کشوری ایراد بگیرند! » (مندرجات روزنامه های فوق از خواندنها شماره های ۲۵، ۲۶، ۲۷ و ۲۸ سال ۱۳۴۶ نقل شده) هم اکنون موج تبلیغاتی در باره « انقلاب اداری » قوس نزولی را طی میکند، بزودی آنها از آسیابها خواهد افتاد، و این دستگاه فاسد یوسیده با همان خصوصیتی که داشت بزودی زانو وار خود ادامه خواهد داد، اکنون هم همان سرنوشته که نصیب « بندجیم » یا قانون « از کجا آوردهای » و یا « معاکمات بزرگ » باصلاح مبارزه با فساد گردید نصیب « انقلاب اداری » شده است.

در اجرای قانون « از کجا آوردهای » میلیونها پرسشنامه چاپ کردند و دستگاه خاص در هر وزارتخانه برای اینکار بوجود آوردند ولی نتیجه چه شد؟ هیچ! در جریان « معاکمات بزرگ » چند نفر را برای تسویه حسابهای خصوصی زیر پرچم قرار دادند و سر انجام نتیجه چه شد؟ هیچ! اکنون نیز باید گفت که نتیجه « انقلاب اداری » چیزی جز هیچ نیست! نتیجه تأسیس « سازمان بازرسی عالی شاهنشاهی » که گویا مانند عصر داریوش « چشم و گوش شاه » هست علاوه بر ایجاد محل خرج تازه ای بحساب مردم چیز دیگری نیست. شاه این سازمان را به « عقابسی » تشبیه کرده که « بر سر عناصر مختلف فرود میآید. آیا چنین عقابی میتواند در جایی که منافع شاه و خانواده او مقتضی نیست فرود آید و اجرای همین قوانین ارتجاعی موجود را تأمین کند؟

امروز شاه و وابستگانش در اکثر مؤسسات تولیدی و یا سود آور بنحوی از انحاء شرکت دارند. آیا این سازمان بازرسی میتواند آتقدر با ادارات وصول مالیات نیرو

بدهد که از این مؤسسات حد اقل مالیات دولتی را دریافت کنند؟ آیا این سازمان میتواند آنجا که مأموران سازمان امنیت کلیه حقوق بشری یک انسان را پامال میکنند عرض اندام نماید؟ بفرس آنکه در بین بعضی از اعضای این سازمان شاهنشاهی علاقه با اجرای همین قوانین جاری موجود باشد، آیا میتواند در جائی که منافع « کله گنده ها » با قانون مبیئت دارد قدمی بردارند؟ روشن است که شاید هم شاه و دولت مایل باشند که برای حفظ ظاهر و اجرای « انقلاب اداری » در مواردی که کمترین ضرری بگاو و گوسفند هیئت حا که وارد نمیشود، از دزدی و رشوه خواری و حیف و میل اموال دولت و کم کاری و سستی جلوگیری شود ولی معلوم است که چنین امری ممکن نخواهد شد. زیرا کار گزاران دستگاه دولتی هنگامی تمام قوانین رسمی و قواعد وجدانی را بنفع دستگاه حا که زیر پا میگذارند که در موارد دیگر بتوانند بنفع خود حقوق دیگران را پامال کنند. وقتی مأموران گمرک بخاطر اشرف پهلوی باید ورود اجناس ممنوعه را بدون گمرک مجاز کنند، بالطبع ورود اشیاء قاچاق را بخاطر خود مجاز خواهند نمود. وقتی شاه و بستگانش از قرضه های خارجی میلیونها دلار میدزدند و آن ننگ و افتضاح را که خیر خان گودرزی افشاء کرد در امریکا براه میاندازند، مأمورینشان هم بخود اجازه میدهند که از خریدهای دولتی، از مقاطعه ها، از انتصابات مهم و از هر جا که دستشان برسد بزدند. سعدی میگوید: « به پنج بیضه که سلطان ستم روا دارد - زنده لشکر باش هزار مرغ به سیخ ». حالا اگر خود سلطان و خویشانش هزاران مرغ طلائی را به ستم از جیب خلق بزدند مأموران او چه باید بکنند؟ انصاف باید داد که فساد دستگاههای دولتی در مقابل فساد دربار و درباریان بسیار ناچیز است، هر چند که زیان آن برای مردم خارج از حساب است. دستگاههای اداری دولتی مظهری از ماهیت طبقاتی رژیم هستند و تا ماهیت رژیم تغییر نکند امیدی به تغییر اساسی در این دستگاه نیست. این دستگاهها با تمام خصوصیاتشان مولود و زاده آن مقاماتی هستند که میخواهند بنام انقلاب اداری آنها را منقلب کنند و چنین چیزی منطقی محال است. ممکن است بنام انقلاب اداری عدهای از کارمندان جزء را که تمام بار کارهای دولتی بدوش آنهاست، بعنوان مختلف بیکار کنند و یا زیر پرچم قرار دهند یا مقررات و قوانین تازه وضع کنند یا نوع سازمانها را پس و پیش کنند و بوق و کرنای اصلاحات را با تمام قوت بدمند اما نخواهند و نمیتوانند ماهیت این دستگاهها را تغییر دهند. انقلاب اداری وابسته به انقلاب اجتماعی است که تا انجام نشود بوجود نخواهد آمد. در درون سازمانهای وابسته بدولت توده وسیعی از مردم زحمتکش وجود دارد که آنها هم مانند توده های وسیع کشور از هیئت حا که کارگردانان این سازمانها رنج میبرند، اکثر حقوق را دریافت میکنند و بیشترین کارها

### نه انقلابیگری نه تسلیم

شکر کنی در ساده ترین مبارزه مردم ایران داشته باشند، ولی همچنان درباره «انقلاب» و «جنگ پارتیزانی» داد سخن میدهند و حزب ما را به «روزیونیسیم» و «اوپورتونیسیم» متهم میسازند!

از انقلابیگری تا تسلیم- تسلیم بصورت غرق شدن در زندگی خرده بورژوازی و بورژوازی- تسلیم بشکل ضعف در برابر دشمن- تسلیم از راه زانو زدن در مقابل مشکلات و تن دادن به نومیسی. چنین است واقعیت تلخ و دردناکی که با آن روبرو هستیم و این واقعیت نتیجه مستقیم انقلابیگری و چپ رویی است. ملاحظه میشود که در برابر مبارزان آگاه و مترقی و بویژه و قبل از همه مبارزان حزب توده ایران وظیفه سنگین و مهمی قرار گرفته است، زیرا صحبت فقط بر سر این نیست که باید منصرفان «چپ» را که در موضع ضد انقلابی در غلطیده اند افشا کرد و منفرد ساخت، باید با پدیده یأس و ضعف و تسلیم طلبی نیز مبارزه جدی کرد. اهمیت این وظیفه اخیر بویژه در آنجاست که بسیاری از کسانی که به اشکال مختلف راه تسلیم در پیش میگیرند از زمره عناصر و نیرو هائی هستند که بالقوه میتوانند جزء نیرو های انقلابی قرار گیرند، حتی در دورانی بالفعل نیز در کار انقلابی شرکت میکنند، ولی موقع طبقاتی آنها از یکطرف و تأثیر منفی تبلیغات انحرافی از طرف دیگر آنها را زمانی به انقلابیگری و زمانی به تسلیم طلبی میکشاند. بویژه به این گروه است که باید نشان داد که نه انقلابیگری، که بدون توجه به شرایط مشخص اجتماعی و عوامل عینی و ذهنی لازم برای پیروزی انقلاب جنبش را به کوره راه میکشاند و به شکست منجر میسازد و نه تسلیم طلبی، که جنبش را تضعیف میکند و عمر رژیم ظلم و فساد را طولانی تر میسازد راه و روش يك انقلابی واقعی است. باید ثابت کرد که کار انقلابی واقعی قبل از هر چیز تجهیز توده ها برای شرکت در تمام انواع و اشکال مبارزه است. و چنین کاری فقط با مقاومت و پیگیری میتواند موفقیت آمیز باشد. انقلابی واقعی کسی نیست که فقط در لحظه ای و در دورانی «انقلابی» باشد ولو آنکه انقلابی ترین شعارها را هم بدهد، و آنکه واقعا هم در آن دوران انقلابی باشد، انقلابی واقعی کسی است که لحظه ای هم پرچم مبارزه را بر زمین نگذارد.

زندگی بار دیگر نشان داد که هم هشدار حزب توده ایران بجا بود و هم راه آن درست. زندگی بار دیگر ثابت کرد که هشیاری انقلابی و مشی انقلابی فقط از آن حزبی است که به خلق خود، به طبقه کارگر خود، به مارکسیسم-لنینیسم و به انترناسیونالیسم پرولتری وفادار بماند، نه غوغای انقلابیگری و نه زاری تسلیم طلبی

### دست امپریالیسم در آستین رژیم ایران

پس این دعوی که قطع روابط از اظهارات وزیر امور خارجه آن کشور ناشی شده است بکلی کاذبانه است. زمینه این کار از پیش فراهم شده بود، نخست وزیر هویدا در سفر به آلمان فدرال تعهدات مشخصی را در قبال کیزینگر و برانت پذیرفته بود و دولت ایران به تبعیت از محافل امپریالیستی بن و واشنگتن و نیز تحت فشار کنسر سیوم بین المللی نفت بعنوان واکنشی در برابر تصمیم عراق دائر به شناسائی جمهوری دموکراتیک آلمان باین اقدام دست زده است. سیاست خارجی ایران سالیان دراز بر سمت گیری بکجانبه و تبعیت کامل از امپریالیسم جهانی استوار بود. عواقب این سنگبری ضد ملی بصورت بلای ملی دیرپائی عقب ماندگی جامعه ایران نمودار گردید. امپریالیست ها ثروتهای ملی ما را بتاراج بردند، بر منابع اقتصادی و مالی ایران مسلط شدند، با تمام قوا از صنعتی کردن کشور جلوگیری کردند و ایران را به کشوری وابسته و بی پایگاه استراتژیک سیاست تجاوزکارانه خود بدل ساختند. اینک زمامداران ایران به اعتنا به عواقب شومی که مشی سیاسی آنان در گذشته برای ملت ایران پیاورد کرده است به تشدید این سمت گیری محکوم تاریخ پرداخته اند. این سیاست نابخردانه بخصوص در شرایط بحرانی کنونی خاور نزدیک و میانه خطر آنرا در بر دارد که ایران را به يك اسراییل دوم علیه کشور های عربی بدل کند.

رژیم شاه برخلاف مصالح ملی ایران اکنون

#### شمه ای در باره «انقلاب اداری»

را انجام میدهند و کمترین اختیاری ندارند. آنها جز آلت و وسیله اجرای مقاصد مافوق چیز دیگری نیستند و نمیتوانند باشند. باین دلایل با يك تحول عمیق در ادارات دولتی موافقت اما معلوم است که رهبری «انقلاب اداری» بدست آنها نیست، بلکه در دست کسانی است که خود منشاء فساد هستند. شاه میخواهد در ردیف سایر تظاهرات «انقلابی» خود در این مورد هم تظاهری بکند و فصلی بر فصول کتاب «انقلاب سفید» بیافزاید ولی تردیدی نیست که بخصوص در این «انقلاب» جز فطور کردن کتاب خود کاری انجام نخواهد داد. زیرا ذات نایافته از هستی بخش کی تواند که شود هستی بخش.

ر. رضوی  
در ازادهاوتزلزل ایجاد نکند، قاطع و استوار و بیگیر از میان آتش دشمن و تیر مخالفان بگذرد و رسالت تاریخی خود را به انجام رساند. زندگی تأیید کرد که فقط حزب توده ایران چنین حزبی است و فقط او است که راه گشای آزادی خلقها و طبقه کارگر ایران است. جنبش توده ای يك ضرورت تاریخی است و علیرغم ناکامی ها و نشیب ها، دشوارها و قربانیها سرانجام و بدون تردید پیروز خواهد شد. آنچه که برای رفیقان نیمه راه باقی میماند روسیاهی است و بس. م. انوشه

### سخنرانی رفیق رضا رادمنش

را بکار برد.

در طرح سند اصلی بدرستی گفته شده است که: (وحدت احزاب کمونیستی و کارگری مهمترین عامل وحدت تمام دیگر نیرو های ضد امپریالیستی است.)

تشکیل جلسه حاضر که در آن نمایندگان ۷۵ حزب کمونیستی و کارگری شرکت دارند. و با شرکت خود عملاً اعتقاد خود را به ضرورت چنین وحدتی ابراز داشته اند، برای جنبش جهانی مافوقیتی بی نظیر است، سند اصلی که هدف آن مبارزه علیه

امپریالیسم در مرحله کنونی و وحدت عمل احزاب کمونیستی و کارگری و تمام نیروهای ضد امپریالیستی است خود برنامه

و پایه بسیار مستحکمی برای چنین وحدتی است که اکنون صدها میلیون از کارگران

و روشنفکران مترقی و میهن پرست چشم به مسکو دوخته و در انتظار تحقق چنین نظری

هستند. حزب ما یقین دارد که جلسه حاضر به

آرزوهای صدها میلیون نفوس بشری که در شرایط بسیار دشواری مبارزه سرسخت خود

در صحنه های نبرد ویتنام، در خاور میانه، در کارخانه ها و کارگاهها و خیابانهای

پایتخت های اروپا و امریکا در زیر زمین ها و در زندانها علیه امپریالیسم و ارتجاع

برای يك زندگی آزاد از استعمار و استثمار مبارزه میکنند جامه عمل پوشاند، تصویب

سند اصلی بویژه در آستان صدمین سالگرد

ميلاد ولادیمیر ایلیچ لنین پیشوای داهی

زحمتکش جهان، بهترین ارمانی است که

کاملاً در روح و صیای لنین در باره اهمیت

حفظ همبستگی انترناسیونالیستی گردانهای

پیشاهنگ طبقه کارگر علیه دشمن مشترک،

میتوان ب مردم جهان تقدیم داشت.

در خاتمه هیئت نمایندگی ما مایل است

از حزب برادر مجارستان و بویژه حزب

بزرگ اتحاد شوروی که در تدارک و تشکیل

این جلسه همه مساعی خود را با روح درخشان

انترناسیونالیسم پرولتری بکار برده اند، صمیمانه

تشکر کند. مطمئن هستیم که این مساعی

ثمرات خود را خواهد داد، و وحدت جنبش

کمونیستی و کارگری جهانی و همه دیگر

نیروهای ضد امپریالیستی را بیش از پیش

تحکیم خواهد نمود.

میکوشد دامنه مناسبات اقتصادی و سیاسی خود را با کشورهای سوسیالیستی که اخیراً جزئی بهبود یافته بود محدود سازد و بر عکس این مناسبات را با دول امپریالیستی توسعه دهد. انحصارات آلمان غربی در زمینه ورود کالا بایران مقام اول را دارند و پس از آنها هم انحصارات امریکائی و انگلیسی و ژاپنی هستند. ولی در زمینه صادرات وضع بکلی معکوس است. صادرات ایران به کشورهای غربی بطور دائم ۷-۸ بار کمتر از واردات ایران از این کشور هاست. صادرات آلمان غربی بایران که اکثراً کالا های مصرفی است تنها در سال گذشته به بیش از يك میلیارد مارک بالغ گردید و حال آنکه صادرات ایران به آلمان غربی کمتر از ۷۱ میلیون مارک بود. آلمان غربی در این زمینه جای هفتم را داشت و حتی از هندوستان هم کمتر کالا از ایران صادر کرده بود. تنها کشورهای سوسیالیستی هستند که روابط اقتصادی پایبای با ایران دارند، اولین خریدار کالاهای صنعتی ایران هستند، کالاهائی از ایران صادر میکنند که در بازار های انحصاری غرب خریدار ندارند و در عوض دستگاهها و ماشینها و سایر کالاهای سرمایه ای بایران وارد میکنند که صنایع نوپا و کشاورزی ایران نیز حیاتی آنها دارند. اتحاد شوروی در این زمینه در میان تمام کشورهای جهان جی اول را اشغال میکند. جمهوری دموکراتیک آلمان که مبادلات بازرگانی ایران با آن سالیانه در حدود ۴۰۰ میلیون ریال است در مقابل صدور خشکبار و پشم و مو که ضمناً در آلمان غربی یا بازار ندارد و یا بازار آن بسیار محدود است ماشین آلات مدرن صنعتی و کشاورزی بایران تحویل میدهد. روابط اقتصادی و بازرگانی ایران با جمهوری دموکراتیک آلمان با وجود محدود بودن دامنه آن برای رشد اقتصادی و صنعتی ایران اهمیت فراوان دارد. ولی دولت ایران بجای بسط این روابط به قطع آن میپردازد و بر عکس روابط خود را با انحصارات تاراجگر آلمان غربی که با اعتراف ارهارد صدر اعظم سابق آن کشور مخالف جدی صنعتی کردن ایران هستند- بیش از پیش توسعه میدهد.

اقدام نا بخردانه قطع روابط اقتصادی و بازرگانی ایران با جمهوری دموکراتیک آلمان دست

امپریالیستی بن و واشنگتن را در آستین رژیم

کنونی ایران نشان میدهد و علیرغم دبدبه های

زمامداران ایران در زمینه پیروی از «سیاست مستقل

ملی» وابستگی کامل آنانرا به سیاست تجاوزکارانه

امپریالیستی ثابت میکند.

دولت کارگری و دهقانی آلمان اکنون جزو

کشورهای صنعتی عمده جهان و عامل مهم مبارزه

در راه صلح و امنیت اروپا است. جنبش شناسائی

این جمهوری کامیاب سوسیالیستی علیرغم تلاشهای

بن و واشنگتن و پیروان آنها در تهران روز بروز

دامنه وسیعتری بخود میگیرد. جمهوری دموکراتیک

آلمان در طول بیست سال حیات پرافتخار خود

کامیابهای درخشانی در کلیه شئون اساسی بدست

آورده و فردایشک کامیابیهای تازه تری خواهد داشت.

شناسائی این کشور حکم زمان است و

زندگی به مخالفان این راه پوزخند خواهد زد.

پ برنو

تغییر آدرس رادیو پیک ایران  
هموطنان عزیز! رفقای حزبی!  
به این آدرس در استکهلم (سوئد) با رادیو پیک ایران، ماهنامه مردم، مجله دنیا و مجله مسائل بین المللی مکتوبه کنید. نظریات، انتقادات و پیشنهاد های خود را برای بهبود رادیو و مطبوعات و مجموعه فعالیت ما ارسال دارید.  
P. B. 49034  
10028 Stockholm 49  
Sweden

# پیروزی بزرگ نوین خلق قهرمان ویتنام

در یازدهم ژوئن جبهه آزادیبخش ملی ویتنام جنوبی تشکیل دولت موقت انقلابی جمهوری ویتنام جنوبی را اعلام داشت. بدین ترتیب مبارزه عادلانه و قهرمانانه خلق ویتنام در راه استقلال، آزادی و صلح وارد مرحله تاریخی نوینی گردید. این پیروزی بزرگ نوین خلق قهرمان ویتنام بار دیگر نشان میدهد که اگر خلقی متحد و با استواری و پیگیری در راه آزادی خود مبارزه کند، اگر خلقی در این مبارزه از رهبری پیشاهنگ انقلابی و آگاهی چون حزب طبقه کارگر برخوردار باشد، اگر خلقی در این پیکار در کنار اتحاد شوروی و سایر



کشورهای سوسیالیستی قرار گیرد و از پشتیبانی و کمک مادی و معنوی آنها بهره‌مند گردد، قادر است بزرگترین، نیرومندترین و هارترین نیروی امپریالیستی - امپریالیسم آمریکا - را نیز بزانو در آورد.

خلق ویتنام با قهرمانی تاریخی و بینظیر خود توانست نه فقط احترام و علاقه وسیع‌ترین قشرهای مردم سراسر جهان را بسوی خود جلب کند، بلکه جنبش همبستگی عظیمی را در سراسر جهان بوجود آورد که از نظر وسعت و تنوع شرکت کنندگان نیز در تاریخ نظیر ندارد. خلق قهرمان ویتنام با پیکار عادلانه خود شعله امید به پیروزی را در دل‌های همه ملل ستمدیده، همه شیفته‌گان راه استقلال و آزادی، صلح و عدالت فروزانتر ساخت. تشکیل دولت موقت انقلابی در ویتنام جنوبی پیروزی همه زحمتکشان و صلحدوستان و ترفی

دنباله از صفحه ۲

## سازش با کنسرسیوم و دروغ به مردم

جامه عمل نمی پوشد و بر عکس به سازش جدیدی تن در میدهد؟ پاسخ این سئوالات روشن است. از رژیم که بدست انحصارگران نفتی روی کار آمده و به آن تکیه دارد نمیتوان انتظار داشت که به تسلط آنها خاتمه دهد. سازش‌هایی که بزبان منافع ملی ما انجام میگردد و دروغ‌هایی که به مردم گفته میشود فقط مؤید این حقیقت است. آنچه که وظیفه میهن پرستان ایرانست افشاء باز هم بیشتر این سازشها و دروغها و تجهیز و تشکل همه نیروها در مبارزه متحد برای جلوگیری از گسترش غارت منابع ثروت ما و پیکار در راه استقرار یک حکومت ملی و دموکراتیک است که بتواند نفت ما را بوسیله بهروزی مردم ایران تبدیل کند. م. فرزانه

## دهسال از شهادت مهندس علی علوی میگذرد

در خرداد ۱۳۳۸ مهندس علی علوی، عضو هیئت اجراییه حزب توده ایران بدستور شاه تیر باران شد و اکنون دهسال از این تاریخ میگذرد. در همان ایام سپهبد آزموده دادستان دژخیم صفت گفت: این خونها باید ریخته شود تا تخت سلطنت محمد رضا شاه محکم گردد و برقرار بماند. هنگام اعدام علوی اعتصاب بزرگ کارگران کوره پز خانه در بجهت خود بود و رژیم از جمله میخواست این اعدام را وسیله ارباب و سر - کوب معنوی مردم ایران قرار دهد. کمیته مرکزی حزب ما ضمن اعلامیه ای در باره شهادت مهندس علوی چنین نوشت: «اعدام علوی بهترین دلیل وفاداری او به آرمانهای مقدسی است که وی جان خود را در راه آنها فدا کرد. اعدام علوی سند افتخار جاوید برای او و برای حزب او و نهضت نجاتبخش مردم ایرانست. اعدام علوی الهام جدیدی به مردم ایران در مبارزه علیه ارتجاع و رژیم منقور محمد رضا شاه و استعمار خونخوار خواهد بود. نام علوی برای همیشه در دل‌های مبارزان حزب توده ایران و همه دوستداران صلح و استقلال گرامی خواهد بود.»

دنباله از صفحه ۱

## یک گام بزرگ تاریخی در راه

### همپیوستگی

## جنبش کارگری و کمونیستی جهان

کشورها نیز اعلامیه‌هایی صادر کرد. کنفرانس در فضای صراحت، همبستگی برادرانه و احساس مسئولیت جریان داشت و مطالب و مسائل مربوط به آن وسیعاً در مطبوعات و رادیوهای کشورهای سوسیالیستی انتشار یافت. در تمام دوران کنفرانس، انظار جهانیان بدان دوخته بود. در حالیکه مطبوعات بورژوازی سعی میکردند با توجه به انواع فرضیات، از اهمیت جلسه بکاهدند و در امکان برای نیل به نتایج مثبت تردید کنند. زحمتکشان جهان بهترین آرزوهای خود را به نتایج مثبت این کنفرانس پیوند میدادند. بویژه زحمتکشان شوروی که در پایتخت کشورشان این فرورم وسیع و عالی جنبش انقلابی جهان جریان داشت با دقت و علاقه فراوان جلسه را دنبال میکردند و هزارها نامه برای شرکت کنندگان جلسه فرستادند. از جمله هیئت نمایندگی حزب توده ایران از طرف کارخانه‌ها و مؤسسات فرهنگی نامه‌های پر محبت دریافت داشت.

شرکت کنندگان کنفرانس اظهار آمادگی کردند که روابط بین احزاب کمونیستی و کارگری در آینده بر اساس تماسهای دوگانه و چند گانه، منطقه‌ای و جهانی بسط یابد، و مسائل حاد سیاسی و تئوریک در کنفرانسهای مخصوص بین‌المللی

مورد بررسی دقیق و همه جانبه قرار گیرد. کلبه اسناد و مدارک و سخنرانیهای جلسه در یک جلد کامل بالسنه مختلف چاپ خواهد شد. جلسه تصمیم گرفت این اسناد و مدارک را برای احزابی که در کنفرانس حضور نیافته اند نیز بفرستد. حزب ما بنوبه خود، برای انتشار اسناد کنفرانس بین‌المللی بفارسی اقدام خواهد کرد، و برای تحلیل این اسناد و تطبیق آنها تصمیمات لازم را خواهد گرفت.

توفیق بینظیر کنفرانس بین‌المللی پاسخ دندان شکنی نه تنها به امپریالیسم، بلکه به آن نیروهای تفرقه جوئی است که با تمام قوا میخواستند از تشکیل و کامیابی آن جلوگیری کنند. نه تحریکات گوناگون امپریالیسم، و نه تقلاهای تفرقه جویان مائوئیست، هیچکدام نتوانست در سیر موفقیت آمیز و ختام موفقیت آمیز کنفرانس تأثیری داشته باشد. چنانکه از سخنرانی اکثریت قریب بتمام شرکت کنندگان جلسه پیداست، خطمشی اوتوریستی و شونیستی گروه مائو که کار را از تفرقه به هجوم مسلح علیه مرزهای اتحاد شوروی کشانده‌اند، محکوم شناخته شده است. کنفرانس جهانی، بروشنی نشان داد که خط مشی های اپورتونیستی راست و چپ کوره راه بی سرانجامی بیش نیست و احزاب واقعاً انقلابی آتش مقدس مبارزه علیه امپریالیسم و بخاطر صلح، دموکراسی و سوسیالیسم را بر پایه مارکسیسم لنینیسم بیش از پیش فروزنده نگاه خواهند داشت.

در خاتمه میخواستیم چند جمله از سخن رانی گرم و پر از روح رفاقتی که رفیق برژنف دبیر اول حزب کمونیست اتحاد شوروی در ضیافت پر شکوهی پس از خاتمه کنفرانس ادا کرده است برای خوانندگان گرامی مردم نقل کنیم رفیق برژنف گفت: « برای ما کمونیستهای شوروی افتخار بزرگی است که انجمنی چنین پر اعتبار از احزاب کمونیستی جهان در پایتخت میهن ما مسکو تشکیل گردید. ما مطمئنیم که این کنفرانس در تاریخ جنبش کمونیستی جهان بشابه حادثه‌ای بس مهم در نبرد مشترک ما علیه امپریالیسم و اتحاد مساعی و همپیوستگی همه کمونیستها بخاطر هدفهای عالی مشترکشان یاد خواهد شد. برای چنین ارزیابی باندازه کافی دلایل وزین موجود است.

ما تشکیل و توفیق درخشان احزاب کمونیستی و کارگری جهان منعقد در مسکو را بهمه اعضا حزب و زحمتکشان ایران تبریک میگوئیم. باید اسناد این کنفرانس را بررسی کرد و آموخت و رهنمودهای آنرا بر شرایط کشورها تطبیق داد و بکار بست.

## آنگهی

ترجمه فارسی کتاب تاریخی «هجدهم برورم لئوی بناپارت» بزرگترین آفریده تئوریک و شاهکار انقلابی مارکس از چاپ خارج شد. برای دریافت آن به آدرس یک ایران یا ما مکاتبه کنید. بها معادل ۴۰ ریال